مبانی و روشهای تفسیری امام صادق علیه‌السلام ـ محمدرشید شیخ‌احمد، علی‌اکبر شایسته نژاد
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال پانزدهم، شماره ۶۰ «ویژه قرآن‌بسندگی»، پاییز ۱۳۹۷، ص ۹۶-۱۱۰

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.6.7]

مبانی و روشهای تفسیری امام صادق علیه‌السلام

محمد رشید شیخ احمد*
علی اکبرشایسته نژاد**

چکیده: امام صادق علیه‌السلام با تشکیل کلاس‌های متعدد تفسیری علاوه بر تفسیر قرآن و تربیت عده‌ای کثیری از مفسران بزرگ، نقش فعالی در ارائه تفسیر مناسب و موافق با تعالیم نبوی، داشته است، مبانی تفسیری آن حضرت؛ دوری از تفسیر به رأی، حجیت ظواهر قرآن، مخالفت با تفسیر صوفیانه و غالیانه می‌باشند، برخی از روش‌های تفسیری ایشان؛ تفسیر قرآن با قرآن، تفسیر با سنت، تفسیر با تاریخ، اصلاح تفاسیر ناروا، تفسیر از طریق واژه‌شناسی و ... می‌باشند. هم چنین در سیره آن حضرت موارد قابل ملاحظه‌ای از تفسیر آیات و تربیت شاگردان بزرگ در این عرصه را مشاهده می‌کنیم. این مقاله از نوع پژوهش‌های بنیادی است و پس از بررسی روایات و مراجعه به تفاسیر و منابع مرتبط به شیوهٔ کتابخانه‌ای و تحلیل درون متنی، به بیان برخی از راهکارهای تفسیری امام صادق علیه‌السلام پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن؛ تفسیر؛ امام صادق علیه‌السلام؛ حدیث؛ صوفیان؛ غالیان.

---

*. دانشجوی دکترا، رشته علوم قرآن و حدیث، تهران، دانشگاه پیام نور آران و بیدگل (نویسنده مسئول)
Mrashid1366@yahoo.com
**. عضو هیئت علمی، دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی asm2us@yahoo.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.6.7]

۱. مقدمه

حدیث معروف ثقلین و دهها حدیث دیگر نشان از آن دارند که در کنار قرآن نیاز به مفسّر و مُجری احکام قرآن وجود دارد و ائمه اهل بیت علیهم‌السلام نقش چشم‌گیری در تحقق اهداف عالیه و آسمانی قرآن دارد. پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله اسلام در احادیثی، بر نیاز به تفسیر صحیح قرآن و بهره‌گیری از مفسران واقعی و حقیقی آن تأکید کرده است.

نگاه به زندگی امام صادق علیه‌السلام به وضوح نشان می‌دهد که آن حضرت لحظه‌ای از قرآن و توضیح و تبیین مقاصد حقیقی آن، جدایی نداشت.

هدف ما در این نوشتار علاوه بر بیان مبانی و مقدمات تفسیر ازدیدگاه امام صادق علیه‌السلام، نقش فعال آن حضرت در تفسیر قرآن و تربیت شاگردان مکتب تفسیری‌اش را نشان دهیم.

۲. معنای تفسیر

تفسیر در لغت از واژه «فَسَرَ» به معنای روشن و آشکار کردن است. (قرشی، ج ۵، ص ۱۷۵) إظهار معنی معقول (راغب، ج ۱، ص ۶۳۶)، بیان و آشکار ساختن امر پوشیده (ابن منظور، ج ۵، ص ۵۵)، کشف معنی لفظ و اظهار وآشکار ساختن آن (طریحی، ج ۳، ص ۴۳۸) از دیگر معانی این واژه می‌باشد.

تفسیر در اصطلاح مفسران عبارت است از زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشوار، که در انتقال معنای مورد نظر، نارسا و دچار اشکال است. (معرفت، ج ۱، ص۱۶) برخی نیز گفته‌اند: "تفسیر عبارت است از بیان مفاد استعمالی آیات قرآن، و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره." (بابایی و دیگران، ص ۲۳)

۳. ضرورت تفسیر

قرآن کتابی نورانی بوده (نساء ۱۷۴) و عامل هدایت (آل عمران ۱۳۸) و بصیرت مردم (جاثیه ۲۰) و نیز بیان کننده همه چیز (نحل ۸۹) و به زبان عربی آشکار (همان ۱۰۳) و برای پندگرفتن سهل و آسان است. (دخان ۵۸؛ قمر۱۷)

از آن جا که قرآن به شیوه اجمال سخن گفته و تبیین و خداوند تفسیر قرآن را به عهده پیامبر گذاشته (نحل۴۴)، ضرورت تفسیر و توضیح آن ضروری به نظر می‌رسد.

قرآن برای عرضه قوانین کلی و اولیه نازل گشته؛ از این رو به اختصار سخن گفته است که این اختصار موجب ابهام آن می‌گردد. (معرفت، ج ۱، ص ۱۸) چنان که رسول خدا برداشت غلط عدی بن حاتم از آیه "کلوا واشربوا حتی یتبین لکم الخیط البیض من الخیط الاسود من الفجر" (بقره ۱۸۷) را تصحیح فرمود. (بابایی و دیگران، ۳۸)

از طرف دیگر قرآن مشتمل بر کنایات و استعارات و دارای آیات متشابه، عمومات، مطلقات، مجملات و مخصص و مقیّد، مبیّن است و این رموز احتیاج به تفسیر دارد. امام علی علیه‌السلام فرموده است: «قرآن نوشته‌ای است پنهان در بین دو جلد (یعنی همانند کتابی است)؛ با زبان سخن نمی‌گوید، بلکه به ترجمان و بازگو کننده نیاز دارد و این مردان شایسته هستند که می‌توانند از قرآن سخن گویند. (صبحی صالح، ص ۷۵۷؛ قمی مشهدی، ج ۳، ص ۴۴۹)

گاه در قرآن به منظور پند و اندرز انسان‌ها به حوادث گذشته تاریخ و سرگذشت امت‌های پیشین اشاراتی رفته است و گاه عادات و رسوم جاهلیت معاصر نزول قرآن، از قبیل مسأله نسیء (توبه ۳۷) و نهی از ورود به خانه از پشت دیوار آن (بقره۱۸۹) و مانند این‌ها را یادآور شده و به شدت محکوم کرده است تا این که آداب و رسوم جاهلی را نابود ساخته و ریشه آن را خشکانده است؛ در نتیجه از آن عادات و رسوم، جز نشانه‌هایی اندک که بدون اطلاع از آنها، فهم معانی آیات مربوط به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.6.7]

رسوم جاهلی و احوال گذشتگان ممکن نخواهد بود- چیزی بر جای نمانده است. (معرفت، ج ۱، ص ۱۸و ۱۹)

۳-۱. امکان و جواز تفسیر

آیا فهم و تفسیر قرآن کریم (پرده برداشتن از مفاد ظاهری آیات شریفه)، ویژه پیامبر و امامان معصوم است یا آن که دیگران نیز به فراخور توانایی‌های خویش و با شرایط معینی توان فهم و تفسیر آیات را دارند؟ به عبارت دیگر آیا غیر معصومین می‌توانند به فهم و تفسیر قرآن دست یابند؟

قریب به اتفاق دانشمندان مسلمان امکان و جواز تفسیر قرآن را جایز می‌دانند و برخی هم چون استرآبادی (از علمای اخباری) استنباط و استفاده معارف و احکام از قرآن را به طور کلی جایز نمی‌دانند. (بابایی و دیگران، ۴۲)

قرآن را با توجه به لغت، ادبیات عرب، اشعار جاهلی، سبب نزول، تاریخ صحیح و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام می‌توان تفسیر کرده و از آن بهره‌مند شد، ولی فهم کامل و شناخت واقعی قرآن اختصاص به معصومین دارد و روایات ما نیز آن را تأیید می‌کند. (حرعاملی، ج ۲۷، ص ۴۷)

مکتب تفسیری امام صادق علیه السلام را در دو بخش، با عناوین زیر بررسی می‌کنیم؛ ۱) مقدمات تفسیر ۲) مبانی تفسیری

۱. مقدمات تفسیر

۱-۱. حجیت ظواهر قرآن

در بسیاری از موارد، امام صادق علیه السلام اصحاب خود را برای فهم مسائل و استنباط احکام به قرآن ارجاع می‌دادند که این خود دلیلی قاطع و روشن بر حجیت ظواهر قرآن است. آیات (محمد،۲۴، زمر۲۷، شعراء۱۹۲-۱۹۵، آل عمران، ۱۳۸، دخان ۵۸، قمر۱۷، نساء ۸۲) و روایات زیادی نیز حجیت ظواهر قرآن را تأیید می‌کند که به ذکر نمونه‌ای از روایت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.6.7]

بسنده می‌کنیم.

شیخ طوسی از عبدالاعلی روایت کرده که گفت: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: بر اثر لغزش، ناخن پایم افتاد، به همین خاطر، زَهرهٔ گوسفندی بر آن کشیدم. هنگام وضوء باید چه کنم؟ امام فرمود: حکم این مورد و امثال آن از قرآن دانسته می‌شود. خدا می‌فرماید: «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج ۷۸) بر روی همان زَهره مسح کن. (طوسی، ج ۱، ص ۷۷)

معنای سخن امام این است که آیه فوق بر نفی حرج دلالت می‌کند؛ هر جا ضرری یا مشقتی به سبب انجام وظیفه شرعی به مکلف برسد، آن تکلیف برداشته می‌شود و این مطلبی است که باید هر مسلمانی از خود قرآن به دست آورد. (معرفت، ج۱، ص۸۷)[1]

۱-۲. پرهیز از تفسیر به رأی

در باره تفسیر به رأی دو معنا ذکر شده است؛ نخست این که گروهی آیه‌ای از قرآن را انتخاب کنند و سپس بکوشند تا آیه را بر دیدگاه یا عقیده و مرام خود تطبیق دهند تا آن عقیده یا مسلک انتخابی خویش را از این رهگذر توجیه کنند یا بر گرایش‌ها و عقاید مخصوص خودشان سرپوش نهند و آنها را در قالب تعابیر ویژه‌ای بر عامه مردم تحمیل نمایند.

دوم آن که تک روی و استبداد به رأی در مقام تفسیر قرآن؛ که شخص بدون توجه به شیوه اهل فن، در فهم معانی کلام و خصوصاً کلام خدا سخن بگوید. زیرا برای دست‌یابی به مقصود کلام پروردگار، ابزار و شیوه‌هایی وجود دارد؛ از جمله آنها مراجعه به گفتار سلف (صحابه و تابعان) و اطلاع یافتن بر مطالب رسیده از ایشان در باره آیات، بررسی اسباب نزول و هم چنین شرایطی که وجود آنها در

۱. نمونه‌های بیشتر را بنگرید در؛ البیان، خویی، ص ۳۵۴ – ۳۵۶.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.6.7]

مفسر ضروری است. (همان،۷۱)

همواره در طول تاریخ افرادی را ملاحظه می‌کنیم که در صدد تحمیل عقاید خود بر قرآن بوده‌اند که در تفرقه و گمراهی مردم نقش به سزایی داشته‌اند. وجود مکاتب مختلف فقهی، اعتقادی، حدیثی و... حکایت از این شیوه غیرعلمی و غیرمنطقی دارد. در این راستا امام صادق علیه‌السلام با توجه به ضرورت موضوع توضیحات و راه حل‌هایی ارائه کرده است که تبعیت و پیروی از آن‌ها می‌تواند راه‌گشا باشد.

حضرت در این باره فرموده است: هر کس قرآن را به رأی خویش تفسیر کند هر چند درست در آید، پاداشی ندارد و اگر اشتباه کند گناه آن بر عهده‌اش خواهد بود. در روایت دیگری آمده است که: اگر اشتباه کند به اندازه فاصله زمین و آسمان از حقیقت دور افتاده است. (مقدمه تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷ شماره ۲و۴)

در روایت دیگری می‌فرمایند: من فسّر القرآن برأیه آیةً من کتاب اللّه فقد کفر. (همان، ۱،۱۸؛ حرعاملی، ج ۲۷، ص۶۰) هرکس آیه‌ای از قرآن را با رأی خود تفسیر کند، کافر شده است.

برخی از دانشوران گفته‌اند: اگر کسی روش عقلا را در فهم کلام پیشه کند و بر دلایل و شواهد موجود تکیه نماید و به آرای علمای سلف عنایت ورزد و سپس نظر خود را در تفسیر کلام خدا بیان کند، مفسر به رأی و مستبد به رأی و یا کسی که رأی خود را بر قرآن تحمیل سازد، نیست. (معرفت، ج ۲، ص ۲۲۶)

۱-۳. مخالفت با تفاسیر صوفیانه

بعضی از متصوفه در بی‌اعتباری و کم‌ارزش دانستن ظواهر آیات راه اغراق پیموده و به گستاخی گفته‌اند که: ما ز قرآن مغز را برداشتیم / پوست را بهر خران بگذاشتیم. (دهقان، ص ۵) از دیدگاه متصوفه نمی‌توان با تفسیر ظاهری به معانی قرآن واقف شد. (همان،۱۲)

این نوع نگرش، مخالف تعالیم امام صادق بوده و توصیه‌های آن حضرت در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.6.7]

حجیت ظواهر قرآن (خویی، ص۳۵۴) و استمداد از عقل در بهره‌گیری از قرآن، ردّی است بر تفکر صوفیانه.

صوفیه برای عقل مادی در تفسیر و فهم آیات جایگاهی قائل نیستند و آن را از درک معانی والا و اسرار و بطون آیات عاجز می‌دانند. (دهقان، ۷ و ۸)

سفیان ثوری که تفکر صوفیانه داشت، وقتی پیراهن سپید (و تازه) امام را می‌بیند علاوه بر اعتراض، آن را مخالف آیات می‌دانست، از جمله: «وَ يُؤْثِرُونَ عَلى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.» (حشر، ۹) و«يُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلى حُبِّهِ مِسْكِيناً وَ يَتِيماً وَ أَسِيراً.» (انسان، ۸) امام صادق علیه‌السلام در پاسخ طولانی به وی و همراهانش بر اساس آیات قرآن فرمود: این که گفتید خداوند در کتاب خود، ما را از حال مردمی آگاه کرده که آنان را به خاطر نیکوکاری‌هایشان ستوده است، این کار (در آن زمان) روا بوده و از آن بازداشته نشده بودند و پاداش ایشان بر خداست. ولی (بعد) خدای جلّ و عزّ به خلاف آنچه آنان بدان عمل کردند فرمان داده و امر خدا ناسخِ کردار آنان شده است. پس اگر من گردهٔ نان خود را به صدقه دهم و نان دیگری هم جز آن نداشته باشم، ایشان از دست می‌روند و از گرسنگی می‌میرند. این بیانی است که قرآن در ردّ سخنان شما بدان گویاست و به صورتی واجب از جانب خدای عزیز و حکیم نهی کرده و فرماید: «الَّذِينَ إِذا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كانَ بَيْنَ ذلِكَ قَواماً» (فرقان، ۶۷) و کسانی که چون انفاق کنند، اسراف نمی‌کنند و بخل نمی‌ورزند و در میان این دو اعتدالی هست.» آیا نمی‌بینید که خداوند تبارک و تعالی آن کاری را که شما مردم را بدان فرا می‌خوانید و نیز مسرفان را سرزنش کرده و در چند آیه از قرآن می‌فرماید: «به راستی، (خدا) مسرفان را دوست ندارد» (انعام، ۱۴۱؛ اعراف، ۳۱) وی مردم را از اسراف نهی کرده و از بخل نیز بازداشته است و به برقرار کردن حدّ اعتدالی میان این دو امر فرموده است. اگر کار چنان باشد که

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.6.7]

شما می‌گویید هیچ کس را نسزد که چیزی از دارایی دنیا را نگه دارد و باید همه را، هر چند خود بدان سخت نیاز داشته باشد، تقدیم کند. پس بد راهی در پیش گرفته‌اید و مردم را هم بدان می‌کشانید و این از روی نادانی به (مفادّ) کتاب خدای عزّ و جلّ و روش پیامبر او صلی الله علیه و آله است که کتاب منزل نیز آن را تصدیق می‌کند و (بسی ناشایست است) که شما با جهالت خود و عدم توجه به شگفتیهای قرآن و تفسیر آن از ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و امر و نهی، آنها را رد می‌کنید. (حرّانی، ص ۳۵۴ - ۳۵۸)

۱-۴. مخالفت با تفاسیر غالیانه

غلات یا غالیان که در مورد ائمه علیهم السلام غلو می‌کردند و در باره آنها ادعای خدایی می‌کردند، همواره مورد نکوهش امام‌صادق علیه السلام بوده و حتی مورد لعن واقع می‌شدند، که با تفسیر غلط آیات در صدد گمراهی مردم بودند. برای آشنایی با توجیه‌های غلط آیات توسط آنان و نقد آن، به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

جعفر بن واقد و تعدادی از اصحاب ابو الخطاب در تفسیر آیه «وَ هُوَ الَّذِی فِی السَّماءِ إِلهٌ وَ فِی الْأَرْضِ إِلهٌ» (زخرف: ۸۴) گفته بودند که مقصود، "امام" است. امام صادق علیه السلام در اعتراض به آنها فرموده است: به خدا سوگند این گونه نیست. آنها (غلات) از یهود و نصاری و مجوس و مشرکان هم، بدترند. عظمت خدا را هیچ چیز به اندازه سخن آنها، پایین نمی‌آورد. من بنده‌ای بیش نیستم که در سود و زیان چیزی، توانایی ندارم. (مجلسی، ج ۲۵، ص ۲۹۴ و ۲۹۵) در حدیث دیگری فرمود، تمام اعضای بدنم از آنها بیزار است و خدا هم از آنها بیزار است. این گونه تفسیر، نه در آئین من و نه در آئین پدران من است. خدا ما و آنها را در قیامت محشور خواهد کرد، در حالی که بر آنها غضبناک است. (همان، ۲۹۸ و ۲۹۹)

هشام بن حکم می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: بُنان (که یکی از غالیان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.6.7]

است) آیه: «وَ هُوَ الَّذِی فِی السَّماءِ إِلهٌ وَ فِی الْأَرْضِ إِلهٌ» (زخرف: ۸۴) را این گونه تأویل می‌کند: خدای آسمان با خدای زمین فرق می‌کند و اهل زمین، فضیلت خدای آسمان را می‌دانند و او را بزرگ می‌دارند. حضرت فرمود: «وَ اللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ إِلَهٌ فِی السَّمَاوَاتِ وَ إِلَهٌ فِی الْأَرَضِینَ»؛ بنان دروغ می‌گوید، لعنت خدا بر او باد. (مجلسی، ج ۲۵، ص ۲۹۶)

۲. آموزش تفسیر توسط امام صادق علیه‌السلام

در گنجینه سخنان امام صادق علیه‌السلام و سیره آن حضرت، روش‌های متعددی در زمینه تفسیر قرآن می‌بینیم. برخی از آنها به شرح زیر است:

۲-۱. تفسیر قرآن به قرآن

به عقیدهٔ برخی از عالمان، سنگ بنیادین آن به دست مبارک شخص رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و سپس امامان معصوم علیهم‌السلام استوار گردیده است. و این روش از سوی پیامبر و اهل بیت گرامیش مورد تأکید و تکریم قرار گرفته است. (طباطبایی، ج ۱، ص ۱۲)

در حدیث طولانی، امام صادق علیه‌السلام در مورد شخصی سخن می‌گوید که دو نان و دو انار دزدید و صدقه داد. آنگاه با محاسبه‌ای گفت که کار خیر، ده حسنه دارد و کار بد، یک سیئه. پس ۳۶ حسنه در انتظار من است. امام علیه‌السلام در پاسخ فرمود: مگر نشنیده‌ای که خدای عزّ و جلّ می‌فرماید: إِنَّما یَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِینَ (خدا فقط کار پرهیزگاران را می‌پذیرد.) (مائده ۳۱) یقیناً چون دو نان دزدیدی به دو گناه دچار گردیدی و جهت سرقت دو انار هم دو گناه دیگر، و چون مال مردم را بجای اینکه به خودشان بازگردانی بدون رضایت آنان به دیگری دادی، بی‌شک چهار گناه بر آن افزودی و چهل حسنه به چهار گناه نیفزودی. و در حالی که با نگاه تندی به من نگریست، بر گشتم و رهایش ساختم. (صدوق، ج۱، ص ۷۲ – ۷۵)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.6.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.6.7]

۲-۲. تفسیر قرآن با سنت

حدیث ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام (کلینی، ج ۱، ص ۲۸۶)؛ نشان می‌دهد که واجبات و مستحبات احکام به طور اجمال و در قالب قواعد کلی در قرآن تشریع شده است، اما بیان جزئیات احکام در ضمن سنت آمده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آنها را در طی دوران عمر شریفش بیان داشته است؛ از این رو سنت در کنار قرآن، تفسیر کننده مواضع اجمال و توضیح دهنده موارد ابهام آن خواهد بود. (معرفت، ج ۱، ص ۱۷۹)

یک نمونهٔ آن تخصیص عمومات قرآن که عام در قرآن و موارد تخصیص آن در روایات (که اخص از سنت است) آمده است.هم چنین تقیید مطلقات که آیه به طور مطلق در قرآن آمده و مقید آن در سنت وارد شده است. از راه حل‌های تفسیر با سنت می‌باشد. اکنون جهت روشن شدن مطلب برای هر یک از دو مورد مثالی می‌آوریم:

مثال عام؛ مانند آیه مبارکه "والمطلقات یتربصن بانفسهن ثلاثة قروء" (بقره ۲۲۸)؛ و زنان طلاق داده شده، باید مدت سه پاکی انتظار کشند.

این آیه شامل تمام زنان طلاق داده شده می‌شود، ولی در سنت آیه تخصیص خورده و تنها به زنانی اختصاص داده شده که با آنان همبستری صورت گرفته باشد و گرنه زنانی که چنین نباشند، عدّه هم نخواهند داشت. نیز ادامه آیه که می‌فرماید: "وبعولتهن احق بردّهنّ"؛ وشوهرانشان به باز آوردن آنان در این مدت سزاوارترند. که در ظاهر، حکم آیه شامل تمام زنان مطلقه است، ولی در سنت، این حکم به طلاق رجعی اختصاص دارد.

مثال تقیید مطلق؛ مانند آیه مبارکه: "وَ مَن یَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِیهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَیْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِیمًا" (نساء ۹۳) حکم مطلقِ خلود در عذاب در آیه، چنان که عیاشی از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده است. (عیاشی، ج ۱، ص ۲۶۷)

مخصوص موردی است که توبه نکرده و مقتول را به خاطر ایمانش کشته باشد. (معرفت، ج ۱، ص ۱۸۱ و ۱۸۲)

۲-۳. تفسیر با تاریخ

استفاده از تاریخ نیز فراگیر بوده و از سرگذشت پیشینیان برای توضیح و تبیین قرآن می‌توان بهره‌برداری کرد. به طور مثال: قرآن، فرعون را ذی الاوتاد نامیده است. "و فرعون ذي الاوتاد" (فجر۱۰) اما اینکه علت نام‌گذاری چیست؟ امام صادق علیه‌السلام در پاسخ ابان احمر به این پرسش چنین گفتند: چون آنها بدن‌های بزرگان، یا مخالفان خود را چهار میخ می‌کردند؛ بر چوبی می‌خواباندند و دو دست و دو پای آنها را میخ کرده و او را بدین حال رها می‌کردند تا بمیرند. (حویزی، ج ۵، ص ۵۷۱) نمونه دیگر از این مورد را بنگرید در: بحارالانوار ج۲۴، ص۲۸۴ در تفسیر آیه ۱و۲ سوره مبارکه بلد.

۲-۴. تفسیر از طریق واژه‌شناسی

امام صادق علیه‌السلام کلمه "تسنیم" در آیه «و مزاجه من تسنیم» (مطففین۲۷) را از ریشه "سنم" به معنای "رفع" می‌داند و چراییِ نام‌گذاری چشمه بهشتی به آن را رفعت و والایی شراب اهل بهشت یا فرو ریختن آن چشمه از مکانی بلند بر منزل بهشتیان می‌خواند. (قمی، ج ۲، ص۴۱۱)

استفاده از قواعد ادبی و لغوی (فیض کاشانی، ج ۴، ص ۷۶؛ خویی، ص ۳۵۴)، اهمیت و ضرورت آشنایی با ناسخ ومنسوخ (حرعاملی، ج ۲۷، ص۴۷) و محکم و متشابه قرآن (همان، ۲۰۱) از دیگر آموزه‌های تفسیری آن امام می‌باشند.

۲-۵. اصلاح تفاسیر ناروا

مکتب تفسیری امام صادق علیه‌السلام مخالف تفسیر صوفیانه و غالیانه بوده و بر اصلاح نگرش‌ها وگرایشات ناصواب مبتنی بوده است. هم چنین در سیره آن حضرت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.6.7]

موارد قابل ملاحظه‌ای از تفسیر آیات و تربیت شاگردان بزرگ در این عرصه وجود داشته است که در زیر به بررسی اصول تفسیر ی این مکتب می‌پردازیم.

شاگردان امام صادق علیه السلام در باره نگرش مردم در باره تفسیر برخی آیات و یا مباحثات و مناظرات آن حضرت در تفسیر قرآن گزارش دادند. آنگاه ایشان به اصلاح تفاسیر و باورهای نادرست، اقدام می‌کردند و مفاد صحیح از آیه را ارائه می‌داد که به یک نمونه از آن می‌پردازیم.

فضیل بن یسار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردم می‌گویند: قرآن بر هفت حرف نازل شده است. فرمود: دروغ گفتند دشمنان خدا. قرآن از جانب خدای یگانه و بر یک حرف نازل شده است. (کلینی، ج ۲، ص ۶۳۰)

۴. دو نمونه از تفسیر آیات مشکله توسط امام صادق علیه السلام

رجعت از مسائل مورد اختلافی است که از دیرباز نظر دانشمندان را به خود جلب کرده است و موافق و مخالف را به تکاپو و استدلال واداشته است. در این میان شیعه با استدلال به آیات و روایات فراوانی در صدد اثبات آن برآمده است و کتاب‌های فراوانی را در این زمینه نگاشته‌اند.

امام صادق علیه السلام با بهره‌برداری از نکته ظریف قرآنی و با استناد به آیه قرآن کریم، رجعت را اثبات کرده است.

خداوند می‌فرماید: "وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّن يُكَذِّبُ بِايَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ" [نمل ۸۳]

امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه درباره رجعت است. به آن حضرت گفتند: ولی مردم گمان می‌کنند که منظور روز قیامت است. فرمود: آیا خداوند در روز قیامت از هر امتی گروهی را محشور می‌کند و دیگران را رها می‌سازد؟ نه، بلکه در رجعت چنین است، ولی در قیامت همه محشور می‌شوند چنان که فرمود: "وَ حَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنهمْ أَحَدًا" (نمل ۸۳؛ فیض کاشانی، ج ۴، ص ۷۶)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.6.7]

سخن امام اشاره به این نکته است که "مِن" در آیه برای تبعیض است. لذا دلالت بر این دارد که گروهی از مردم محشور خواهند گشت نه همه. و این نمی‌تواند صفت روز قیامت باشد که همه در آن محشور می‌شوند و خداوند در توصیفش فرموده است: وَ حَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنهمْ أَحَدًا.

از دیگر مسائل مورد اختلاف در بین مسلمانان کیفیت وضوء می‌باشد که همه آنها با استناد به قرآن وضوی خود را صحیحی می‌پندارند. امام صادق علیه‌السلام با بهره‌برداری دقیق از قواعد ادبی آیه وضوء، به استدلال درباره نحوه مسح بر سر پرداخته است. در پاسخ به زراره که پرسید: از کجا دانستید مسح به قسمتی از سر کافی است؟ فرمود: "لمکان الباء" یعنی به جهت وجود حرف «باء» که در آیه وضوء (...وامسحوا برؤسکم: مائده،۶) به کار رفته است و یکی از معانی «باء» تبعیض است. به مقتضای این آیه شریفه باید به قسمتی از سر مسح نمود. (خویی، ۳۵۴)

۵. شاگردانِ مفسّر در مکتب امام صادق علیه‌السلام

امام صادق علیه‌السلام در طول زندگی با برکت خویش شاگردان زیادی را از شهرها و کشورهای متعدد با اعتقادات مختلف در اکثر رشته‌های علمی و دینی و مخصوصاً در زمینه تفسیر قرآن تربیت کرد. شاگردان آن حضرت نیز در جای جای کشورهای اسلامی پراکنده بودند و به تبلیغ معارف اصیل اسلامی که برگرفته از محضر امام بودند، اشتغال داشتند و علاوه بر تدریس به تألیف کتب فراوانی دست یازیدند که در کتب مربوطه بدان‌ها اشارت رفته است. به طوری که تعداد شاگردان آن حضرت را چهار هزار تن ثبت کرده‌اند. (مفید، ج۲، ص ۱۷۹؛ حکیمی و دیگران، ج ۵، ص۲۶۲)

نتیجه‌گیری

امام صادق علیه‌السلام با تفسیر آیات قرآن و تربیت شاگردان بزرگی در عرصه‌های مختلف دینی از جمله تفسیر قرآن، پیوند ناگسستنی خود از قرآن را به طور عملی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.6.7]

نشان داده است. این توصیه‌های امام راه برداشت صحیح از قرآن و به کار بستن آن در زندگی روزمره را به نحو احسن پیش روی آدمی قرار می‌دهد و دوری از تعصب و جانب داری در مسائل دینی را می‌آموزد. استفاده از رهنمودها و بیانات آن حضرت، راه‌گشای بسیاری از مسائل غامض و پیچیده قرآنی و تفسیری خواهد بود و این به نوبه خود گامی مهم و مؤثر در نزدیک شدن مذاهب اسلامی به یکدیگر خواهد بود.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، ***لسان العرب***، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.

۲. بابایی و دیگران، علی اکبر، ***روش‌شناسی تفسیر قرآن***، تهران، سمت، چهارم، ۱۳۸۸.

۳. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ***البرهان فی تفسیر القرآن***، قم، مؤسسه بعثه، اول،۱۳۷۴ ش.

۴. حرّانی، ابن شعبه، ***تحف العقول***، ترجمه: جنّتی، احمد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر، سوم، ۱۳۸۹.

۵. حر عاملی، محمد بن حسن، ***وسائل الشیعة***: قم، مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، اول، ۱۴۰۹ ق.

۶. حکیمی و دیگران، محمدرضا، ***الحیاة***، مترجم: آرام، احمد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول،۱۳۸۰ ش.

۷. حویزی، عبد علی بن جمعة، ***نور الثقلین***، قم، اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ ق.

۸. خویی، سیدابوالقاسم، ***البیان***، مترجم: حسینی، سیدجعفر، قم، دارالثقلین، اول،۱۳۸۴.

۹. دهقان، بمانعلی، ***مبانی صوفیه در فهم و تأویل قرآن***، مطالعات اسلامی، شماره ۶۵ و۶۶، ۱۳۸۳.

۱۰. راغب، حسین بن محمد، ***المفردات فی غریب القرآن***، دارالعلم الدار الشّامیه، دمشق، اول، ۱۴۱۲ه.ق.

۱۱. صبحی صالح، شریف الرضی، محمد بن حسین، ***نهج البلاغة***، قم، هجرت، اول، ۱۴۱۴ ق.

۱۲. صدوق، محمد بن علی، ***معانی الاخبار***، ترجمه: محمدی، عبدالعلی، تهران، دارالکتب، دوم،۱۳۷۷.

۱۳. طباطبایی سیدمحمدحسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم، جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه، پنجم،۱۴۱۷ق.

۱۴. طریحی، فخرالدین، ***مجمع البحرین***، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵

۱۵. طوسی، محمدبن حسن، ***الإستبصار فیما اختلف من الأخبار***، تهران، دار الکتب الإسلامیة، اول،۱۳۹۰ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.6.7]

۱۶. عیاشی، محمد بن مسعود، ***تفسیر العیّاشی***، تهران، المطبعة العلمیة، اول، ۱۳۸۰ ق.
۱۷. فیض کاشانی، ملا محسن، ***تفسیر الصافی***، تهران، انتشارات الصدر، دوم، ۱۴۱۵ق.
۱۸. قرشی، سید علی اکبر، ***قاموس قرآن***، تهران، *دار الکتب الإسلامیة*، ششم، ۱۳۷۱ش.
۱۹. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ***کنزالدقائق و بحرالغرائب***، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۸ش.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، ***تفسیر قمی***، قم، دار الکتاب، سوم، ۱۴۰۴.
۲۱. کلینی، محمدبن یعقوب، ***الکافی***، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ***بحار الأنوار***، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۳. معرفت، محمد هادی، ***تفسیر و مفسران***؛ مترجم: خیاط، علی، قم، تمهید، چهارم، ۱۳۸۷.
۲۴. مفید، محمد بن محمد، ***الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد***، قم، کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.60.6.7]